

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۷ جون ۲۰۱۵

مجلس بیست و چهارم (در عدم مشارکت درخواست خدا)

بامداد روزیکشنبه چهارم ذی الحجه سال ۵۴۵ هجری قمری شیخ عبدالقادر (رضی الله تعالی عنه) در مدرسه چنین فرمودند:

هوای نفس و آرزوها و آمل خویش را، در امور مربوط به خدا و اراده او شرکت ندهید، تقوا داشته باشید، یکی از اولیاء درود خدا بر او باد گفته است: رضایت مخلوق را در رضایت خالق بجوئید، نه رضایت خالق را در رضایت خلق. آن که را باید امر خداوند بشکنی، بشکن، و آن که را باید درمان نمائی، به درمانش بپرداز. تسلیم بودن در برابر خواست و مشیت حق را از بندگان صالح یاد بگیر.

علم به عمل بستگی دارد، تنها به مجرد حفظ کردن و برای دیگران بازگنمودن کسی عالم نمی شود. اول بیاموز و خود عمل کن سپس به تعلیم دیگران بپرداز. هرگاه علم آموختی و بدان عمل نمودی، علم خود معرفت تومی شود، هر چند خاموش باشی زبان علمت گویامی شود. پس بازبان علم مع العمل بامردم سخن بگو، تا گفتارت مورد قبول واقع شود. یکی از بزرگان درود خدا بر او باد گفته: هر کس نگاهش به تو سودی نرساند، گفتارش نیز برایت سودمند نخواهد بود. عالم عامل هم برای خویش نافع است هم برای دیگران. خدای عزوجل مرامتناسب با ظرفیت کسانی که نزد من حاضر می شوند گویا گردانیده است، اگر غیر ازین بود هر آئینه میان من و شما دشمنی روی می داد. من خود را در راه نصیحت شما وقف کرده ام، اما چیزی در اختیارم نیست و گرنه آن را از شما منع نمی کردم. تنها چیزی که از من ساخته است، پند و اندرز است، که صرفاً برای رضای خدا، نه خوشایند نفس، انجام می دهم.

بامقدرات الهی سازگار باشید، و در غیر اینصورت شمارا در هم خواهد شکست، با تکیه به اراده و خواست خداوند، راه زندگی را ببیمانید، و در اختیار او باشید، تا شما را مشمول رحمت خود کرده و در معیت خویش بدارد.

آغاز کار قوم، کسب روزی مشروع است، و آن هم به قدر نیاز. این تازمانی است که به مرحله توکل برسی، و بر تمام جوارح و قلبت مهتر توکل زده شود. آنگاه بدون رنج و زحمت روزی گوارا به سویت سرازیر می شود. مقربین در آخرت به لباس نعم بهشتی ملبس می شوند، همچنان که در دنیا بدون درخواست به بهره های معین خویش رسیده اند، که البته این به خاطر توافق و تسلیم آنان در برابر مشیت و اراده خدا میسر و ممکن شده است. خداوند اجر هر بنده ای را به تمامی می دهد. زیرا ستم به ساحت مقدسش راه ندارد.

(یا غلام) به قدر همت خود از مواهب حق برخوردار می شوی، پس با جان و دل از غیر خدا بپرس تا به مقام قرب رسی. از خود و غیر خود فانی شو، در اینصورت پرده های میان تو و خالق برداشته می شود. کسی گفت چگونه بمیرم وفانی

گردم؟ -گفتم- مرگ در راه خدا ترک متابعت نفس و هوای طبع است و دوری از عادات و دنباله روی مردم، و توجه نکردن به اسباب ظاهری.

از شریک نمودن خلق با خالق، و درخواست نیاز از آنان اجتناب نما، حوائج خویش را تنها از ذات حق طلب کن، تمام اعمال را خالصانه برای لقاء الله انجام ده، نه به جهت کسب نعمت. به خواست و مقدرات حق راضی باش، که هرگاه بر این شیوه بودی، از خود بریده و مرده، بدو پیوسته و زنده ای. و به کعبه قرب خویش نایلش سازد، آگاه بر اسرارش نماید، دائم الذکرش گرداند، و از غفلت بازش دارد.

کلید بهشت چه امروز و چه فردا کلمه طیبه «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ**» است، اما مشروط به قطع علاقه از خود و غیرکردن و جز به خدای به چیزی اعتناء نکردن، و اجرای تمامی اوامر شرع. بدان که جنت قوم راستان قرب حق است، و آتش دوزخشان بعد از حق. جز این بهشت آرزوی ندارند، و غیر از این آتش آنان را خوفی نه.

کدام آتش است که ایشان از آن بترسند؟ در حالی که آتش دوزخ از مؤمن می ترسد و از وی می گریزد. چگونه آتش دوزخ از محبین و مخلصین نهراسد؟ چه نیکوست حال مؤمنین در دنیا و آخرت! در دنیا همین که احساس کرد که خدا از او راضی است، دیگر به هیچ چیز نمی نگرند، و به کسی اعتنائی ندارد. هر جا افتاد، برداشته و برکشیده می شود، هر جا بنگردد نور خدای ببیند. تیرگی و ظلمت برایش مطرح نیست، تمام اشاراتش به سوی خداست و تمام اعتمادش بدو، و در کلیه امور به او متوکل می شود.

از آزار مؤمن بپرهیز، زیرا آزار مؤمن به سان سمی مهلک اذیت کننده رانابود می کند، و او را به تنگدستی و رنج گرفتار می سازد. ای نادان به شناخت خدا و مردان حق به منزله سم کشنده است. بر حذر باش، بازمی گویم بر حذر باش از آزار و اذیت و غیبت مردان خدا، و از رفتار سوء با آنان خودداری کن. (۱).

ای منافق، شک و نفاق بر قلبت چیره شده و ظاهر و باطنت را پوشانده است. توحید و اخلاص را در تمام احوال رعایت کن، تا بدینوسیله معالجه شده و بیماری شک و نفاق از توبه دور شود. چه بسیار از شما که از حدود شریعت تجاوز می کنید، و لباس تقوا را پاره می نمائید، و لباس توحید را آلوده می سازید، و نور ایمان را در دل های خود خاموش می گردانید. و در تمام گفتار و رفتار تان بغض الهی مشهود است. هرگاه یکی از شما عبادتی انجام داد، با خود پرستی همراه است و به منظور ستایش خلق انجام شده است. هر کس از شما خواهان بندگی خداست، ابتداء باید از مردم کناره گیری کند، و از این که مردم عبادت او را مشاهده کنند، ناخشنود باشد، زیرا اگر عبادت به قصد جلب توجه مردم انجام شود آن عبادت باطل است. پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده اند: «**عَلَيْكُمْ بِالْعَزَلَةِ فَانْهَاجُوا عِبَادَةَ دَابِ الصَّالِحِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ**» - بر شما لازم است تنهایی گزینید، چون آن عبادت است و شیوه صالحان پیش از شما).

بر شما لازم است ابتداء ایمان آورده، سپس یقین حاصل کرده، و به دنبال آن در ذات حق عزوجل فنا شوید. و این ممکن نخواهد بود مگر با رعایت حدود شرع و اجرای دستورات رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)، و متابعت از قرآن. هر کس اعتقادی غیر از این داشته باشد بزرگوار نمی باشد و زیرا این دستور عین دستور قرآن و امر رسول است (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ).

گرویدنت به خدا الزامی است، زیرا گرایش به خدا، نیاز آخرت را تأمین می کند، و در حیات و ممات محفوظ می دارد، و در تمام احوال در برابر هرگزند از تودفاع می نمایند.

بر توست که از ظلمت بعد به نور قرب پیبندی، تادستت را گرفته و در پیشگاه حق عزوجل قرار دهد. عمل مبتنی بر اخلاص به سان بالی است که می توان به وسیله آن به سوی خداوند پرواز کرد.

ای پشیمینه پوش! اول باطن را سپس قلبت را بیارای، و در پایان بدن را ملبس به صوف نما. آغاز زهد بدین طریق است، باید از باطن شروع کرد، آنگاه به ظاهر رسید. نه این که ظاهر را در اولویت قرار دهی. چون مسلم است که به مجرد

صافی شدن باطن اثرات آن به قلب و ظاهر نیز می رسد، ظواهری از قبیل: طرزلباس پوشیدن، خوراک و سایر احوال. اول باید درون خانه راساخت، آنگاه به درب و پنجره پرداخت، چه خانه بی در و پیکرجهت سکنی مناسب نیست. ظاهر بدون باطن و مخلوق بدون خالق وجود ندارد.

ای کسی که دنیا را بدون آخرت و خلق را بدون خالق تصور نموده ای، و تمام توجهت بدان است! آگاه باش، آنچه که بدان گرویده ای برایت سودمند نخواهد بود.

این طرزفکر کالائی است که خریدار ندارد، بلکه در روزقیامت وبال گردنت می شود. اینها کالای نفاق و ریاء و معاصی است که در بازار آخرت ارزش و بهائی ندارد.

کلمه اسلام مشتق از سلم است، پس هرکس از سرصحت و صفا به اسلام گرویده و خود را به خدای عزوجل تسلیم کرد، و بر او اعتماد نمود و تمام نیرو و توان خویش را فراموش نمود، می تواند ادعای اسلام و مسلمانی نماید.

از آنچه که در اختیار داری در راه خداوند انفاق کن. عبادت و بندگی خدای را با اخلاص به جای آور، زیرا هر عملی که مخلصانه نباشد، مانند پوست بدون مغز، یا چوب خشک بی ثمر، و یا صورت بی جان است. اینگونه اعمال همانا اعمال منافقان و ریاکاران است.

(یاغلام) مردم عموماً وسیله اند، خداوند متعال آفریدگار است و صانع، و تمامی کارها درید قدرت او. هرکس این معنی را دریافت، از وابستگی به خلق نجات می یابد و به خالق می پیوندد. توجه به خلق به گاه حاجت و نیازمندی، چیزی جز رنج و زحمت در پی ندارد، و آگاهی به قدرت خداوند شادکامی و نعمت را به دنبال دارد.

تواز طریق مستقیم مردان حق کناره گرفته ای، رابطه ای میان تو و آنان وجود ندارد، صرفاً به رأی و نظر خود اکتفاء کرده ای، و از وجود استاد ماهر که پرورشت داده و به راه راست هدایت نماید محرومی. ای دور شده از راه راست، ای بازیچه شیطان، ای بنده هوی و هوس، ای بر تو!! بدرستی که لال شده ای!! دست استغاثه به سوی خدای بردار، و از او بخواه که هدایت نماید. با قدمهای پشیمانی و عذر خواهی به سوی او برگرد، تا از دست دشمنان رهایت کرده، از گرداب هلاک در دریای شهوات نجات دهد. به عاقبت آنچه که گرفتار آبی بیندیش، شاید ترک آنها برایت آسان شود. تو در سایه درخت غفلت آرمیده ای، از زیر این درخت شوم خارج شو، تو که نورخورشید را دیده ای و راه شناخته ای، بدان که درخت غفلت با آب جهل آبیاری می شود، اما درخت بیداری از آب تفکر سیراب می گردد، و درخت محبت با آب موفقیت پرورش می یابد.

(یاغلام) تو به برخی از بهانه ها متعذر می شوی که بیانگر کودکی و نوجوانی توست، اگر سن و سالت به چهل رسیده یا از آن نیز تجاوز کرده است! کارهایی را انجام می دهی که به واقع بازی کودکان است. از همنشینی نادان و خلوت با زنان و کودکان اجتناب نما. با پیر مردان پرهیزکار مصاحبت کن. از نوجوانان نادان بگریز. در چنان مسیری قراربگیر که اگر یکی از آنان به توندیک شد، قادر باشی به سان طیبی به مداوای او پردازی. برای مردم مانند پدری مهربان باش. بر طاعت و عبادت بیفزای، زیرا عبادت خداوند یاد اوست. پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ ذَكَرَهُ وَإِنْ قَلَّتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَقَرَأَتُهُ الْقُرْآنَ، وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ نَسِيَهُ وَإِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَقَرَأَتُهُ الْقُرْآنَ»- (هر آنکس خدای را فرمانبرداری کند، همیشه به یاد خداست، هر چند نماز و روزه و قرائت قرآن کم باشد، و هر کس نافرمان باشد خدا را فراموش می کند، هر چند نماز و روزه و قرائت قرآن زیاد باشد).

مؤمن نسبت به خدا فرمانبردار، با او موافق، و در برابر مقدراتش صابر است. در زمینه خورد و خوراک و لباس و تمامی احوال خود را در اختیار خدای داند، اما منافق هیچ گاه بدین امور مبالا نمی کند.

(یاغلام) درباره و پیرامون نفس خویش کاملاً بیندیش و بدان که در چه حالی. تو صادق و صدیق نیستی، توشناسا به ذات حق و راضی به امرش نیستی، در حالی که مدعی معرفت خداوندی، بگو علامت آن چیست؟ چه چیزی از انوار معرفت

دردلت جای گرفته است؟ نشان اولیاءالله وانبیاء کدام است؟ تصور می کنی هرکس چیزی ادعا کرد فوراً از وی می پذیرند و مطالبه گواه و شاهد نمی کنند؟ دینار ادعایش را بر محک تجربه نمی زنند؟!

از آثار و علائم عارف آنست که، بر تمام سختیها و آلام صابراست و به جمیع مقدرات الهی راضی و شاکر.

(یاغلام) خدا دوستی و مردم دوستی در یک قلب جمع نمی شوند. خدای عزوجل فرموده است: **« مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ »** (خداوند در سینه مردی دو قلب قرار نداده است. (جای محبت دو کس در یک دل نیست). سوره احزاب آیت ۴). مهردنیا و آخرت، و خلق و خالق یکجا جمع نمی شوند. اشیاء فانی و زوال پذیر دنیوی را ترک کن تا آنچه جاودانی و سرمدی است نصیبت گردد. جان و مالت را فدا کن و بهشت را به دست آور، خدای عزوجل فرموده است: **« إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ »** (خداوند از مؤمنان جانها و اموال آنها را می خرد، تا در مقابل جنت بدانان عطا فرماید. سوره توبه. آیت ۱۱۱). سپس از هر چیز غیز خداست کناره گیر، تا مقام قرب برایت حاصل شود و توفیق و موفقیت دنیا و آخرت را کسب نمائی.

ای دوستدار خدا، بامقدرات حق، به هر سوئی که اراده اوست، هم سوئی کن. قلبت را که مسکن قرب است از آلودگیها پاک کن، ماسوای خدای را از دل بروب، بردرگاهش باشمشیر توحید و اخلاص بنشین و از ورود غیربدان جلوگیری نما، و جز برای مهر خدا در دل را بر روی کس مگشا، حتی گوشه ای از زوایای آن را به غیر خدا و اگذار منما.

ای بازیگران، من اهل بازی نیستم. ای طالبان پوست، نزد من جزمغز چیزی نیست. نزد من اخلاص بدون ازریاء، صدق بدون کذب وجود دارد. خدای عزوجل تقوا و اخلاص دل رامی نگرد، نه ظاهر گفتار و رفتار را. خداوند فرموده: **«لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَا يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ»** (گوشت و خون او بخدائمی رسد، آنچه به پیشگاه خدا می رسد تقوای شماست. سوره حج آیت ۳۷).

ای بنی آدم، آنچه که در دنیا و آخرت است برای شما آفریده شده است، پس سپاس و شکر شما کجاست؟ تقوا و پرهیزگاری و خدمتگزاری شما کدام است؟ روح اعمال اخلاص است، به اعمال بدون روح نپردازید.

«ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة، و قنا عذاب النار». آمین!